

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

یادواره شصتین سال انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر

ضرورت تاریخی انقلاب اکتبر

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر بزرگترین تلاقی و اجتماعی در تاریخ انسانی و چرخشگاه مول جامعه بشری از نظام مبتنی بر مالکیت و طبقات نامساوی بهره‌ده و بهره‌کش، به اجتماعی نو، مبتنی بر مالکیت اجتماعی و برابری حقوق و تمام عیار اجتماعی است؛ یعنی نیایی، زرف و بیسابقه در تاریخ.

انقلاب اکتبر سینه‌دهم یک دوران نوین در انسانی است که وی را سرانجام از عصر جبر، در چنگ قوانین طبیعی و اجتماعی بسوی عصر اختیار، عصر تبدیل انسان به تکیه‌گاه مأمون خواهد شد، او را از زنجیر ناخوشی برده‌گیهای ماضی و معنوی خواهد رها کرد.

انقلاب اکتبر ثمره ضرورت تاریخی، نتیجه کامل غضوی اجتماع انسانی است. مورخان با سفسطه در فاکت‌ها و اسناد، باتکاه تزیینی بکار می‌برند تا این انقلاب را ثمره یک نوعی سوء تفاهم تاریخی جلوه‌گر سازند و نهند که چون این انقلاب ناشی از هیچ ضرورت نیست، لذا نمی‌تواند و نباید در کشور ملی همان تکرار گردد و خود این خطای تاریخی را زور و حيله از صحنه روزگار زدود.

اما علی‌رغم سفسطه این مورخان، باید گفت بنده این انقلاب، حزب طراز نورب طبقه روسیه بود که با افکار مغزوی مارکسیسم-لنینیسم

د. فرستاده انقلاب اکتبر، عدم رضایت علاوه بر بورژوازی و خورده بورژوازی را نیز در بر داشت، ولی این تشرها که از انقلاب مردم هراس نادر نبودند آفریننده یک انقلاب بزرگ باشند. زواری لیبرال درستانه تحولات انقلابی در روسیه اسناد تاریخی چنین استدلال می‌کند: «شک که سلطنت مستبده از لحاظ تاریخی وصله است. ولی از میلیونها مردم نیمه برده، فقیر، جاهل، می‌گسار چه پشتیبانی می‌تواند برای نظام نوین انتظار داشت؟ در این شرایط، از پایتین تنها می‌تواند به تلخ و تاز وحشیانه ناعت میل گردد؛ لذا باید به بالائی‌ها امید منتظر رفورم و اقدامات اصلاحی شد و تا ممکن نت را بسوی اجزاء این رفورها سوق داد. «پرودا، ۱۱ مارس ۱۹۷۷»

ولی لنین در پاسخ این نوع سفسطه‌های لیبرالی که نه متمکش بودن پایینی‌ها و نه بحران در بالائی، هیچکدام هنوز شرط کافی برای وقوع نیست. این عوامل تنها باعث پوسیدن جامعه شرط آنست که در این جامعه یک طبقه انقلابی شته باشد که بتواند وضع پستیف مستبدگی نوع آکینف خشم و قیام مبدل سازد. (کلیات ج ۱۳ ص ۳۰۱)

در واقع نیز این طبقه، طبقه کارگروس بود مکتب یشوسم لنینی گنشته بود، و توانست ده انقلاب شود و آنرا در نبردی بیخبرنج و با زی از پشتیبانی وسیع زحمتکشان شهر و ده به ند.

نقش عظیم انقلاب اکتبر برهبری پیشوای داهی ن بزرگ در آفرینش جامعه نو و ایراد ضررت

باصطلاح شرکت کارگران در سود ویژه که اینک اصل چهارم از اصول هنده گانه «انقلاب شاه را تشکیل میدهد» از سال ۱۳۴۱ مطرح گردید. شخص شاه هدف خویش را از عنوان کردن این مسئله بدون پرده پوشی بارها توضیح داده است. در خود قانون و مقررات اجرائی آن گفته شده بود که اگر کارگران از طریق افزایش تولید، کاهش ضایعات و تدابیردیگر و بدون تحمیل سرمایه گذاری اضافی بر کارفرما سود

سنگین بر استثمار و استعمار روشن است. لنین خصلت تاریخی این انقلاب را چنین فورمولی می‌کند: «نابود ساختن سرمایه داری و آثار آن» تحقق بخشیدن به مبانی نظام کمونیستی، چنین است. مضمون آن دوران نوینی که اکنون در تاریخ سراسر جهان آغاز شده است، (کلیات ج ۴۱ ص ۲۴۵).

پس از شصت سال از پیروزی اکتبر، ل. پرژانسکییر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی، در کنگرفرانس احزاب برادر اروپا، جمع‌بست فشرده‌ای از دستاوردهای کنونی اجتماعی انقلاب اکتبر ارائه داد. وی گفت:

«ما جامعه ای ایجاد کردیم که از سیطره الیگارشی انحصاری فارغ و آزاد است؛ ترسی از بهران های اقتصادی و بی‌کاری ندارد زیرا از این نوع بلایلی اجتماعی خرابین جامعه خبری نیست. ما جامعه انسانی را برابر حقوق را در وسیع ترین معنی این کلمه بوجود آورده ایم. در این جامعه داشتن امتیاز بعلت تملیک طبقاتی یا نژادی، بر حسب ثروت و نظایر آنها وجود خارجی ندارد. این جامعه ای است که حقوق انسانی را نه تنها اعلام می‌کند؛ بلکه آنها را در عمل تأمین

مینماید. این جامعه ایست که امکانات واقعی برخوردار

از این حقوق را نیز بوجود آورده است. در واقع نیز بیرکت انقلاب اکتبر، سیستم جهانی سوسیالیستی پدید آمد، سیستم مستعمراتی امپریالیستی فرو ریخت، جنبش انقلابی و رهائی بخش اوج گرفت، سیاست صلح و امنیت و همکاری بین‌خانها امکان تحقق واقعی بیشتری یافت و می‌یابد. روشن است که این انقلاب و نظام آفریده آن هنوز باید راه دشوار نضج و نبرد و غلبه بر مشکلات را در تاریخ طی کند و هنوز ثمرات و عوایب عظیم تری در پی خواهد داشت. لنینیست پرژنف در کنگره ۲۵ حزب کمونیست شوروی گفت:

«رشد و تکامل کشور های سوسیالیستی، افزایش اقتدار آنها، تشدید نفوذ و تأثیر حیات‌بخش سیاست بین المللی آنها، اکنون تعیین‌کننده سمت اساسی ترقی اجتماعی بشری است. . . این سخنانی است که باتکاه محاسبه عوامل عینی، باتکاه محاسبه دور نمائی و با سنجش بر زبان رانده شده است.

سوسیال دمکراتهای انقلابی و سپس کمونیست های ایران، خواه در احزاب کمونیست ایران و توده ایران، از همان آغاز فعالیت سوسیال دمکراسی انقلابی روس به رهبری لنین و در تمام دورانهایی بعد نسبت به این فعالیت علاقه و همبستگی نشان دادند.

خلفهائی کسورما بنوبه خوزده همبستگی لنین و شاگردان مکتب او از دوران شورولیت تا امروز در زمینه های مختلف بر خوردار بوده و هستند. به برکت این همبستگی و پشتیبانی، ایران از اسارت در چنگ تساریسم، از قید تحت الحمایگی انگلستان موافق قرار داد ۱۹۱۹، از بردگی فاشیسم در جنگ دوم جهانی رهائی یافت و بیک سلسله امکانات عینی و واقعی بسود ترقی و استقلال خویش نایل آمد. ارزش این همبستگی برای موجودیت کشور ما و تکامل آن از حد و اندازه برون است.

دستبرد به درآمد قانونی

کارگران

کارفرما آنها اعلام کرده است، می‌توان دید که خودستایی های مکرر شاه مبنی بر اینکه گویا کارگران را در سود کلر خانه هاشریک کرده است تاجه اندازه کزاقه گویی است.

در مورد نحوه پرداخت سود ویژه هم باید گفت که کارگران در نخستین سالهای اجرائی قانون کمترین دخالتی در آن نداشتند و این گردانند کلی وزارت کار و کارفرمایان بودند که بجای محاسبه دقیق سهم کارگران، روش پرداخت یک یا دو ماه حقوق اضافی را در سال بعنوان سود ویژه انتخاب کردند. این البته همیشه از سهم واقعی و عادلانه ای که به کارگران تعلق می‌گرفت بر مراتب کمتر بود، اما از سه سال پیش که موج کموشکن تورم و گرانی قدرت خرید خانواده های زحمتکش را سخت زیر فشار قرار داد، کارگران دنبال در صفحه ۲

افزوده. یا با اصطلاح قانون سود ویژه ایجاد کنند، از این سوخویزه که چیزی سواهی سود سالانه است، کارفرما تا ۲۰ درصدش را میان کارگران خود تقسیم خواهد کرد. پس از همان آغاز، تشدید بهره‌کشی از کارگران بسود گسترش سرمایه داری مورد نظر شاه بود. این را هم باید افزود که با وجود گنشت ۱۵ سال از تصویب قانون هنوز هم فقط بخش کوچکی از کارگران مشمول آن شده اند.

دو هفته پیش وزیر کار خود مدعی شد که در سال گذشته فقط در حدود ۳۸۶۱۷۳ کارگر از سود ویژه برخوردار شده اند، در حالیکه بهنگام اصلاح قانون در چند سال قبل کارگهائی که حتی یک کارگر هم داشتند میبایست سود ویژه بپردازند. با توجه به رقم بیش از سه میلیون کارگران ایران که باز خود وزارت

رهبران ساواک زده «سازمان انقلابی» و «سازمان آزادیبخش»

صد ها نفر را بچنگ پلیس انداخته اند

دو سازمان و حتی افراد عادی که برای دشمناسی، نام آنها در آرشیو این دو سازمان حفظ شده است. علاوه بر این، ساواک به آرشیو «سازمان انقلابی» در خارج از کشور که در آن هم نام اعضا و هواداران «سازمان انقلابی» و همچنین نام سایر افراد حفظ شده نیز دسترسی کامل یافته است. بدینسان ساواک موفق شده است که نه فقط «سازمان انقلابی» و «سازمان آزادیبخش» را در ایران متلاشی سازد؛ بلکه از راه این دو سازمان به گروهها و افراد دیگری نیز دست یابد. جلدان رژیم برخی از افراد این جریان را بدعوی خود در مقابله خیابانی کشته اند و برخی دیگر را که مأموران ساواک «متناسب» تشخیص داده اند، برای اجراء صحنه سازی «دمکراسی» که اخیراً رژیم در پیش گرفته است، در دادگاه علنی نظامی به دادرسی کشیده اند. از آنجا که به روایات رسمی دولتی اعتصامی نیست، ما اکنون در این باره نمیتوانیم نظر بدهم و باید منتظر باشیم تا حقایق این «دادرسی» روشن تر شود.

علت اصلی موفقیت ساواک در متلاشی ساختن این دو سازمان، چنانکه ذکر کردیم دید مسلط مأموران ساواک بر آنها بوده است که از میزان این نوع پروتورهائی ساواک تاکنون سیروس تهلولنی شناخته شده است. سیروس تهلولنی یکی از رهبران سازمان انقلابی، در خارج از کشور و «رهبر» اصلی، سازمان آزادیبخش، در داخل کشور، پس از تسلیم به ساواک با کمک دیگر همکاران ساواک‌گاش، بعد از تسلط یافتن کامل بر این دو سازمان، آنها را درست فراختیار ساواک گذاشته است.

موفقیت ساواک خود بر اثر وجود سه عامل امکان پذیر شده است: نخست آنکه گروههای مائوئیستی، از جمله «سازمان انقلابی» و «سازمان آزادیبخش»، مهمترین ملایک عضویت در گروه خود را موضع ضد توده‌ای و ضد شوروی قرار داده‌اند، و هر که در این زمینه بحرارت ترور فعال تر باشد، «انقلابی» و «تراست» با این «ملایک»، مأموران ساواک میتوانند پسندگی در چنین گروههایی شود کنند، بدون آنکه حتی لازم باشد برای انجام فعالیت ضد توده‌ای و ضد شوروی خود، که وظیفه اصلی آنهاست، رل خاصی بازی کنند. بهین جهت هم ساواک نه فقط توانست از همان آغاز تشکیل این گروهها، مأموران خود را بر میان آنها بفرستد بلکه آنها را بسرت به رهبری، برساند. دوم آنکه عناصر مائوئیست هر قدر در لاین زرفعالیت ضد توده‌ای و ضد شوروی بیشتر فرو میروند، بهمان اندازه زرفعالیت صادقانه واصلی انقلابی بیشتر دور میشوند، تا جائیکه هر گونه اصولیت، هر گونه صداقت، هر گونه هشیاری و همه دنبال در صفحه ۲

طبق اطلاعات موثق، اخیراً ساواک با یک پورش عدۀ کبیری را که تا ۴۰۰ نفر میرسد تحت پیگرد قرار داده است. هسته اصلی این عدۀ را اعضا «سازمان انقلابی» و «سازمان آزادیبخش» که همکاری سازمانی با هم داشته اند، تشکیل می‌دهند. بقیه عبارتند از عدۀ ای از هواداران این دو سازمان، باضائه افزائی با گرایشهای گوناگون سیاسی و بدون وابستگی باین

میلیاردهای تازده برای تسلیحات

بقرار اطلاع روزنامه امریکائی «اینترنشنل هرالد تریبون»، دولت ایران قصد داشت از شرکت بوئینگ امریکائی بیژان ۴۲ میلیارد دلار رادار های ثابت برای ۴۲ قله کوه در ایران خریداری کند. ولی اخیراً در نتیجه وضع خراب مالی دولت این تعداد به ۱۲ قله تخفیف داده شده است. بدین ترتیب حتی در حالت کنونی قریب ده میلیارد دلار برای خرید این رادارها مصرف خواهد شد. متخصصین نظامی امریکائی برآند که این رادارها مانع از گنشتهای زخمی و فرار قلمه‌های ایران خواهند بود و از جهت نظامی دفاع از آنها دشوار است. قبل از این معامله ایران از شرکت «وستینگهاوس» بیش از ۱۰۰ میلیون دلار وسایل رادار خریداری کرده بود که اکنون در بنادر جنوب ایران خاک می‌خورد. واقیت قوق که دولت و سخنگویانش آنرا از افکار عمومی مردم ایران پنهان کرده اند، یکبار دیگر حد اعتدالی بی پروایی رژیم را در فراج ثروت ملی ما و عودت دادن در آمد نفت به جیب سوداگران سرگ نشان میدهد. از اینکه به گفته کارشناس رادار های تثبیت شده از جهت نظامی قابل دفاع نیست، معنی این معامله فقط و فقط تأمین غررتگری بی حساب و کتاب انحصارهای اسلحه امریکا از درآمد نفت ایران است. در این معامله حسن طوفانیان از طرف شاه و وزارت جنگ ایران مسلماً «حق العمل» کلانی برای ارباب تاجدار خود گرفته است و یکی از فلسفه های نظیر این قبیل معاملات سراپا مضر و خیانت آمیز، بیجب زدن همین نوع حق العمل هاست.

دلیل دندان شکن!

جمشید آموزگار (دبیر کل حزب «رستاخیز»): من به شما بعنوان دبیر کل میگویم که ما صد در صد آزادی داریم، صد در صد آزادی. این مطلبی نیست که من بگویم، امر اعلیحضرت را میگویم که در مصاحبه ای فرمودند.

از مصاحبه با مغرب کیهان
۱۴ اسفند ۱۳۵۵

رهبران ساواک زده سازمان انقلابی... و...

دید خود را از دست میهند و این مساعدترین زمینه برای آنست که ساواک یا خود آنها را به مأموران خوش میدل سازد و بنا آنها را غیر مستقیم آلت دست خود گرداند. سوم آنکه شیوه کارسازمانی این گروهها درست برخلاف اصول کارمفشی در شرایط ترورواختناق است. ارتباطات و آشنائیها چنان وسیع و متنوع است که مأموران ساواک «بویژه اگر از رهبران» و «کارها» باشند، بسادگی میتوانند همه را بشناسند و بر همه چیز دست یابند. جمع این عوامل کار را بداندجا میکشاند، و قلا در مورد «سازمان انقلابی» و «سازمان آزادیبخش» بداندجا کشاند است، که مجموعه سازمان در اختیار ساواک قرار میگردد. نفوذ پلیس در صفوف سازمانهای انقلابی امکان ناپذیر نیست. ولی میباید سیاست و شیوههای را در پیش گرفت که این امکان را بدعناقل برساند، که راه نفوذ پلیس را به مراکز و ارگانهای رهبری سد کند، که پلیس را هرچه زودتر کشف کند، که صدمات وارده از جانب پلیس را در حداقل ممکن نگاهدارد، که زبان وارده از جانب پلیس را هرچه زودتر جبران کند. این را حزب توده ایران «یعنی حزبی میگوید که در این زمینه تجارب تلخ و گرانها دارد.

ولی گروههای مائوئیستی «از جمله «سازمان انقلابی» و «سازمان آزادیبخش» نه فقط این اصول را رعایت نکردهاند و نمیکند؛ نه فقط تجارب دیگران درس نگرفتهاند و نمیگیرند، نه فقط به هشدارهای دیگران «از جمله هشدارهای دائمی حزب توده ایران» و «وقتی نهادهاند و نمی نهند» بر عکس رهبران واکش خصمانه نشان دادهاند و مینهند، بلکه از تجارب خود هم درس نگرفتهاند و نمیگیرند. نتیجه، قربانی شدن مکرر دائمی افرادی است که در عین گمراهی سیاسی بینگمانند. و مسئولیت این قربانیها، علاوه بر ساواک، با آن عده از «رهبران»، و «کار» های گروههای مائوئیستی است که عامل مستقیم ساواک نیستند، ولی با ادامه سیاست و شیوه ضد انقلابی و زبانبخش خود، عملا بصورت همکاران ساواک در آمدهاند.

ما این فرصت را غنیمت میشماریم و بار دیگر به آن عده از اعضا و هواداران این گروهها، که صفاقتی دارند، هشدار میدهم که بخود آید، این گروهها بهمات «رهبران» ساواکی و همکاران اصلاح ناپذیر آنها و گذارند و راه درست انقلابی را در پیش گیرند.

مابا سربا افراد و گروههای سیاسی نیز هشدار میدهم که با درس گرفتن از این جدیدترین تجربه تلخ از هر گونه تماس و همکاری با گروههای مائوئیستی که از بالا تا پایین ساواک زدهاند، بیرهنزند، مشی سیاسی و شیوه کار سازمانی خود را مورد بررسی انتقادی قرار دهند و در راه درست انقلابی گام گذارند.

بنظر ما، این کار هرچه زودتر، هرچه قطعتر و هرچه وسیع تر انجام گیرد، بهمان اندازه موفقیت ساواک در بدام انداختن نیروهای انقلابی کمتر و کامیابی نیروهای انقلابی در وارد آوردن ضربه به ساواک و رژیم دیکتاتوری شاه بیشتر است. ما با احساس

نمونه ای از برخورد يك کارگر با تجربه به تحریکات منحرفین

موافق يك اطلاع رسیده در تبریز در یکی از کارخانه ها دو جوان دانشجو که برای کار آموزی در کارخانه کار میکردند و خود را هواخوار مائوئیسم میدانستند دست به نا سزاگویی به حزب توده ایران و اتحاد جماهیر شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی و احزاب کمونیستی و کارگری واقعی زده و جنجالی برآه می اندازند. کارگری پخته و آموخته که با خونسردی به این گفتههای پوچ گوش میداده و به آنها میکند میگوید: «بابا جان! اگر تا حالا اقتدر که به در زدید به خر میزید خبر افتاده بود.» اینست نمونه ای از شم سالم يك کارگر با تجربه و آگاه.

دستبرد به درآمد قانونی کارگران...

و زحمتکشان ایران علیرغم ترور و تضییق سازمان جنايتکار امنیت برای دفاع از منافع حقه خود بپا خاستند و افزایش دستمزدها و حقوق ها و هم چنین سهم عادلانه خود را از سود کارخانه ها و دیگر مؤسسات خواستار شدند. ولی رژیم که پلست سیاست خائمان برانداز و بستگی سیاسی و اقتصادی با امپریالیسم باجبران جملی رویرو شده و سرمایه داری تازه بسوربان رسیده ایران که جز میکین خون کارگران راهی برای غلبه بر مشکلات خویش نمیشناسد دبه در آوردند و مدعی شدند که گویا تا بحال پول بیخودی بابت سود ویژه بکارگران میپرداخته اند. و برای اینکه بار خواری های اقتصادی خود را بر کارگران سر شکن کنند هجوم همه جانبه ابرا برای محدود کردن بازم بیشتر پول پرداختی به آنان و تشدید استثمار آغاز نمودند.

اجرای این وظیفه بعهده يك جلسه رسوای سازمان امنیت بنام منوچهر آزمون گذاشته شده است. این آفلی وزیر که از دوران جوانی علاوه بر پاپوش دوزی برای اطرافیان، با زدی و چپاول همرنگی خود را با اعضای خاندان سلطنت ثابت کرده بود، در رأس سازمان اوقاف گذاشته شد تا جیب خود و اربابانش را پر کند. بعدها کم کم نشان داد که استعداد خوش خدمتی های بزرگتر را هم دارد. نخست بعنوان یکی از گردانندگان اصلی حزب رستاخیز انتخاب شد و پس از آن مأمور سر کوب مبارزات کارگران گردید.

اقدامات شدیداً ضد کارگری شاه و دولت در چندماه اخیر تنها بمحدود کردن سهم کارگران از سود ویژه و محصورنمیشود. تهیه آئیننامه انضباطی کارگران، مخالفت جلی با نقل و انتقال طبیعی کارگران و فروش آزادانه نیروی کار در بازار مانند هر کالای دیگر و نظایر آنها، تنها گوشه ای از تدابیر ضد کارگری رژیم را تشکیل میدهد.

وابسته کردن حق السهم کارگران از سود ویژه به بار آوری کار که شاه آنرا سطح بهره وری نامیده جز سفته و توطئه چیزی برای بالا کشیدن حق قانونی کارگران چیز دیگری نیست. اگر شاه کوچک ترین صداقتی داشت میتوانست همانطور که در مصاحبه های صفتی میشود، سودسالانه مؤسسات انتظای راملاک قرار دهد چرا که بهر حال سود سالانه این مؤسسات بخشی از آن ارزش اضافی است که کارگران برای کار فرما ایجاد میکنند.

بدتر از همه اگر در سابق مدعی بودند که ضایعه و ملاک تقسیم حق السهم باید روشن ومحاسبات مربوط بآن آسان باشد تا هر کارگری بتواند سهم خود را مسؤولیت در برابر جنبش انقلابی ایران و بر پایه تجارب تلخ خود چنین هشدار میدهم و امیدواریم هر کسی که در برابر جنبش انقلابی ایران احساس مسؤولیت میکند نیز، این هشدار را جدی تلقی کند و از آن نتیجه گیری جلی هم نکند. م. انوشه

برای سیاهان آزاد افریقا

(چکامه ای فرستاده از تکراس، امریکا)

از زجرگاه بردگی آزاد دیده ام گویی که صید در کف صید دیده ام نقشی تو را زودده ز هر یاد دیده ام لیکن به پایداری، پولاد دیده ام کو با چو پتک محکم حداد دیده ام اینک دو صد هزار چو فرهاد دیده ام سبحان وائل از در انشاد دیده ام بويا چو سیل از پی پیداد دیده ام مردی بزرگ و راهبری راد دیده ام چون غنچه ها که آن بره باد دیده ام بر آسمان ز جور تو فریاد دیده ام پیداد گاه تیره شاداد دیده ام چو نیشتر به پنجه فصاد دیده ام آنگاه حق به قله ایجاد دیده ام بی رحم و بی دریغ چو اضداد دیده ام سرمایه را چو دوزخ افساد دیده ام رخصا خلق از آن برخ شاد دیده ام واث کاخ، باژگونه ز بنیاد دیده ام با کيفری قراخور جلااد دیده ام از بهر توده قبله و میعاد دیده ام خصم ستم چو بوخر مقدار دیده ام از پستی و تروغش آزاد دیده ام زیرا که درس و مکتب استاد دیده ام

شادم در این سفر، که تو را شاد دیده ام وصف تو خواننده بودم در دفتر زمان مرز میان زندگی و مرگ خانه بود در پیش آن شکیب تو آهن چو آب گشت سندان رنج گر چه شدی بر ستم، ولی فرهاد کوهکن که شنیدی بداستان در انجمن که پانلهی انتر سخنوری پایا چو کوه در بر طقیان رنج و درد آن راد مرد را که لومومیش بود نام نازم که بهر داد چه سرها بیاد رفت ای بردگی! که واژه تنگت شرنگ جان بیزارم از جهان تو، زیرا که آن جهان یاران! حنر ز غرب جهانفراور! نیش آن گر متحد شوند همه موجنان حق! لیکن دریغ! چون دو هم اندیش را برزم یاران! تاجات توده، در این توده یابوری است توده گرائی است سر انجام کارها بنیاد بهره خواری مردان شود فتا جلااد را که بر زیر تخت میهن است واث جنبشی که متحد و یار توده هاست هر کس که راه عدل بپیمود چون علی همواره زنگ شوق ز قلم دهد صدا شرم شکر به محفل یاران حافظ است

اعترافات صریح و روشن

بنا باطلاع روزنامه امریکائی «نیویورک تایمز» در دوازدهم آوریل ۱۹۷۷ «اندریو یانگ» نماینده دائمی ایالات متحده امریکا در سازمان ملل متحد اظهار داشته است که سیاست کشور او در افریقا از آن جهت دچار مشکلات است که واشنگتن حوادث این قاره را از موضع جنگ سرد تجزیه و تحلیل میکند. ترس چنین آمیز از کمونیسم در افریقا نه تنها بازتاب عادی نیروهای امپریالیستی و جنگ سرد در امریکا و اروپای غربی است، بلکه حساب سودا گرانه ای است و وسیله ایست برای قریب تمامی افکار عمومی و توجیه و دفاع از رژیمهای تژادگرا و مداخله در امور کشورهای مستقل افریقائی برای حفظ منافع استراتژیک غرب و سرمایه گذاری شرکتهای چند ملیتی.

بهبانه خطر کمونیستی و مداخله موهوم شوروی و کوبا، ایالات متحده و کشورهای دیگر غربی و کشورهایی که بدستور آنها رفتار میکنند در حوادث ایالت «شایه» در «نویبر» مداخله میوزند. «اندریویانگ» گفت که ایالات متحده نمیباید در امور زیر مداخله کند.

تعیین کند، اکنون علاوه بر درهم برهم کردن محاسبات سر آخر ریش و قیچی را هم بدست نمایندگان کارفرما و ساواک سپرده اند تا این چند تومانی آخر سال هم تبدیل بافزاری برای ساختار و ایجاد اختلاف در میان کارگران شود. بدون تردید در ماههای اخیر که شاه هجوم ضد کارگری خود را تشدید کرده، شرایط برای مبارزه علنی صفتی دشوارتر شده است. اما آنچه که طبقه کارگر ایران را در سال گذشته و پیش از آن مبارزه بر انگیزت ناچیز بودن دستمزدها، شرایط دشوار

رشد اقتصادی در کشور های

سوسیالیستی اروپا

کمسیون اقتصادی اروپائی سازمان ملل متحد اخیراً تحلیل وسیعی درباره وضع اقتصادی اروپا در سال ۱۹۷۶ در شهر ژنو منتشر کرده است. در بخش سوم این تحلیل وضع اقتصادی کشورهای سوسیالیستی اروپا برسی شد است. این کمسیون تا کنون میکند که رشد صنعتی کشورهای سوسیالیستی در سال گذشته ۵٫۷ درصد بوده است. حجم بازرگانی خارجی ۶ درصد افزایش یافته و حال آنکه در سال ۱۹۷۵ این افزایش ۶ درصد بیشتر نبوده است. علیرغم خشکسالی در سال گذشته کشورهای جمهوری دمکراتیک آلمان، چکسلواکی، مجارستان و لهستان بیش از ۳۰۲ میلیون تن غله جمع آوری کرده اند کمسیون همچنین تذکر میدهد که درآمد واقعی اهالی موافق نقشه های تصویب شده افزایش یافته است.

کار، گرائی کم شکن هزینه زندگی، وضع مسکن، ناسامانی های درمانی و آموزشی و نظایر بود که هنوز هم با قوت تمام بجلی خود باقی دارد. بنا بر این شرایط عینی مبارزه همچنان وس دارد. اگر کارگران آگاه بهوانند قدرهای وس ازمم زنجیران خود را زیر خواستهای همه گیر و بنیاد از جانب ملا تمام کارگران يك کارخانه یا اقتصادی بمبارزه جلب کنند، رژیم با وجود تمام تضمیناتی اش مجبور به عقب نشینی و گردن نهادن به خواستهای زحمتکشان خواهد شد. ک. پور آ...